

مقدمه ی مؤلف

مجموعه مقالاتی که پیش رو دارید، برگزیده ای از سلسله مقالاتی است که طی سالهای ۸۲ تا ۸۴ در مطبوعات محلی آذربایجان چاپ شده است. با این تذکر که برخی از مقالات حاضر با آخرین داده های باستان شناسی تکمیل و مشمول افزوده ها و اصلاحاتی شده اند. در میان این مجموعه، دو مقاله تمدن و فرهنگ سنگ افراستی در شرق آذربایجان و انطباق سرزمین گمگشته ی آراتا با آذربایجان به ترتیب در دومین همایش بین المللی ایرانشناسی در تهران و نخستین همایش باستان شناسی شمال غرب ایران در ارومیه ارائه شده اند. این مجموعه دیدگاه های تازه ای را در موضوع تاریخ باستان ایران مطرح می کند و عموماً در این خصوص دید انتقادی دارد.

موضوع مقالات در اغلب موارد موضوعات جدیدی هستند. این موضوعات افق های جدیدی را در تاریخ باستان ایران می گشایند و ناگفته ها و ناشنیده های بسیاری دارند. روح مقالات ارج نهادن به پیشینیانی است که در دل تاریکی هزاره ها خوش درخشیدند و بنیان تمدن کهن و بی همتای ایران عزیز را پی افکندند. ایران، این سرزمین کهن شرق میانه در تاریکی هزاره های قبل از میلاد صاحبانی داشته است خردمند، هنرور و صنعتگر و در عین حال جنگجو و جنگاور. نام این صاحبان اصلی اقلیم ایران به عمد یا به سهو در تاریخ رسمی کشور از قلم افتاده است. بومیان ما از گوتی ها گرفته تا کاسی ها و هوری ها قرن ها قبل از پیدایش دولت هخامنشی بر بخش های وسیعی از آسیای صغیر، سوریه، فلسطین و بین النهرین حکومت کرده اند.

اما متأسفانه ما این بومیان نام آور را از خود رانده ایم و آن ها را ایرانی نمیدانیم! تاریخ منتقد و پرسشگر هرگز این کوتاهی و مسامحه را بر پدید آورندگان تاریخ کلیشه شده نمی بخشد. تاریخ منتقد معتقد است که حکومت یک صد ساله ی گوتی ها و ششصد ساله ی کاسی ها بر بین النهرین حکومت ایرانیان بر بین النهرین بوده است و هزاره های سوم و دوم قبل از میلاد بین النهرین هزاره های ایرانی است. موضوع وقتی اسف انگیز تر می شود که ما، ایلامی ها، آن مردم سختکوش و قانونگذار را، آن مردم متمدن و هنر پرداز را هم ایرانی نمی دانیم! و حکومت چند صد ساله ی این ملت پرآوازه بر بین النهرین جنوبی را که آوازه نامشان حتی در تورات منعکس شده، به هیچ می انگاریم. مجسمه ی زیبا و بی نظیر ملکه " ناپیریشا " را که تمثالی در جهان ندارد و متخصصان هنر در برابر عظمت و زیبایی اش سجده می کنند و به هنر آفرینان ایلامی اش درود می فرستند، جزو هنر ایرانی نمی شناسیم! ما آسیای صغیر و سوریه و فلسطین را فراموش کرده ایم که مهاجران ایرانی هوری و هیتی اش قریب یک هزاره بین النهرین شمالی و آسیای صغیر را به یکی از کانونهای مهم تمدن بشری تبدیل کرده بودند. این مجموعه تلاش کرده است که سکوت حاکم بر تاریخ هزاره های پیش از میلاد را بشکند و در عین اینکه معترض به تاریخ نگاری سنتی است، معترض به راوی جدیدی نیز هست که اعتراض معقول و مبتنی بر داده های تاریخی، باستان شناسی و زبان شناسی را ناآگاهانه به ابتذال کشیده است. درصد قابل توجهی از تصاویری که در این مجموعه فراهم شده، برای نخستین بار در ایران منتشر می شود و این تصاویر به گمان مؤلف در غنای مضامین مقالات بسیار موثر خواهد بود. اما تأکید عمده ی مؤلف روی تحلیل هایی است که بر مضامین و موضوعات مطروحه در مقالات صورت گرفته است.

در ختم سخن تشکر بی کران خود را بر همشهری فرهنگ دوست و فرهنگ پرور خود جناب آقای ناصر پارسیان که این مجموعه با مساعدت ایشان فراهم شده، اعلام می دارم؛ ایضا از کارکنان زحمتکش کتابخانه های عمومی اردبیل و کارکنان بنیاد ایرانشناسی شعبه ی اردبیل که با مساعدت های معنوی خود در تهیه ی این مجموعه سهیم بوده اند قدردانی می نمایم.

صفحه	فهرست مطالب
۱۲-۱	فصل اول : نژاد آریایی انگاره ای موهوم
۲۲-۱۳	فصل دوم : نوروکی های باستان آذربایجان
۳۱-۲۳	فصل سوم : بنی ساج اولین سلسله ی ترک مسلمان در آذربایجان
۴۵-۳۲	فصل چهارم : آران ولایتی است از آذربایجان
۵۸-۴۶	فصل پنجم : آذربایجان نخستین خاستگاه سومریان و موسیقی اوزانی
۶۹-۵۹	فصل ششم : انطباق سرزمین گمگشته ی آراتا با آذربایجان
۸۱-۷۰	فصل هفتم : پیدایش آریائسیم در ایران
۹۸-۸۲	فصل هشتم : مانیفست خیابانی
۱۱۶-۹۹	فصل نهم : سیری در تاریخچه ی انقلاب اسلامی اردبیل
۱۲۶-۱۱۷	فصل دهم : کورگان ایسیق گؤل و کهن ترین نوشته ی ترکی
۱۳۱-۱۲۷	فصل یازدهم : سخنی با اندیشمندان آذربایجان (درباره ی ناصرپور پیرار)
۱۷۶-۱۳۲	فصل دوازدهم : تمدن ها و دولتهای نخستین غرب آذربایجان
۱۸۹-۱۷۷	فصل سیزدهم : پیشینه ی تاریخی اردبیل
۲۱۳-۱۹۰	فصل چهاردهم : تمدن و فرهنگ سگک افراشتی در شرق آذربایجان
۲۲۰-۲۱۴	فصل پانزدهم : عنصر ترک در میان قوم باستانی هیتی
۲۳۵-۲۲۱	فصل شانزدهم : ناصرپورپیرار و تحریف در تاریخ آذربایجان
۲۴۹-۲۳۶	فصل هفدهم : نقدی بر کتاب اشکانیان ناصر پورپیرار